



UNIVERSE

1 RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MYSTERY
THRILLER

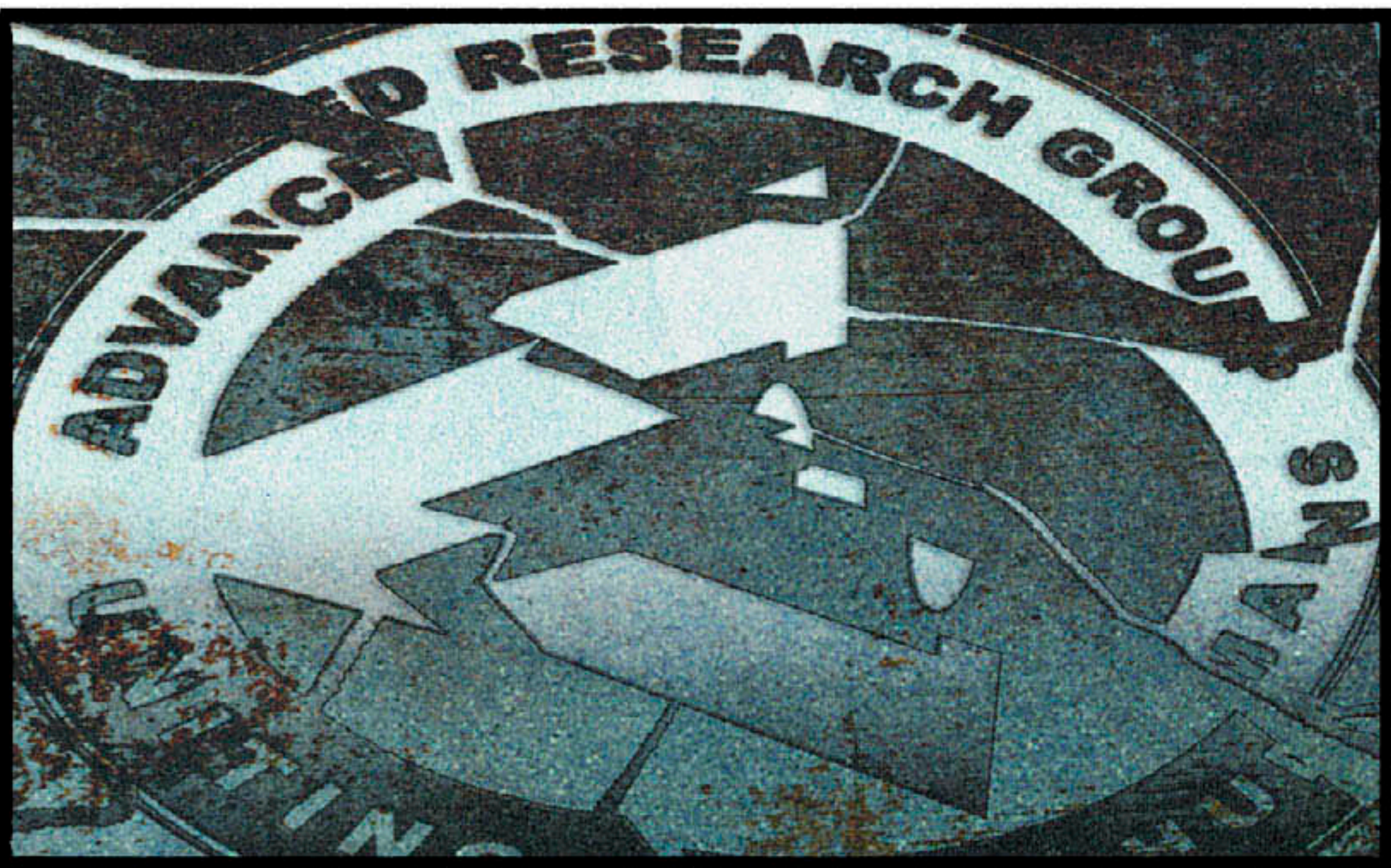
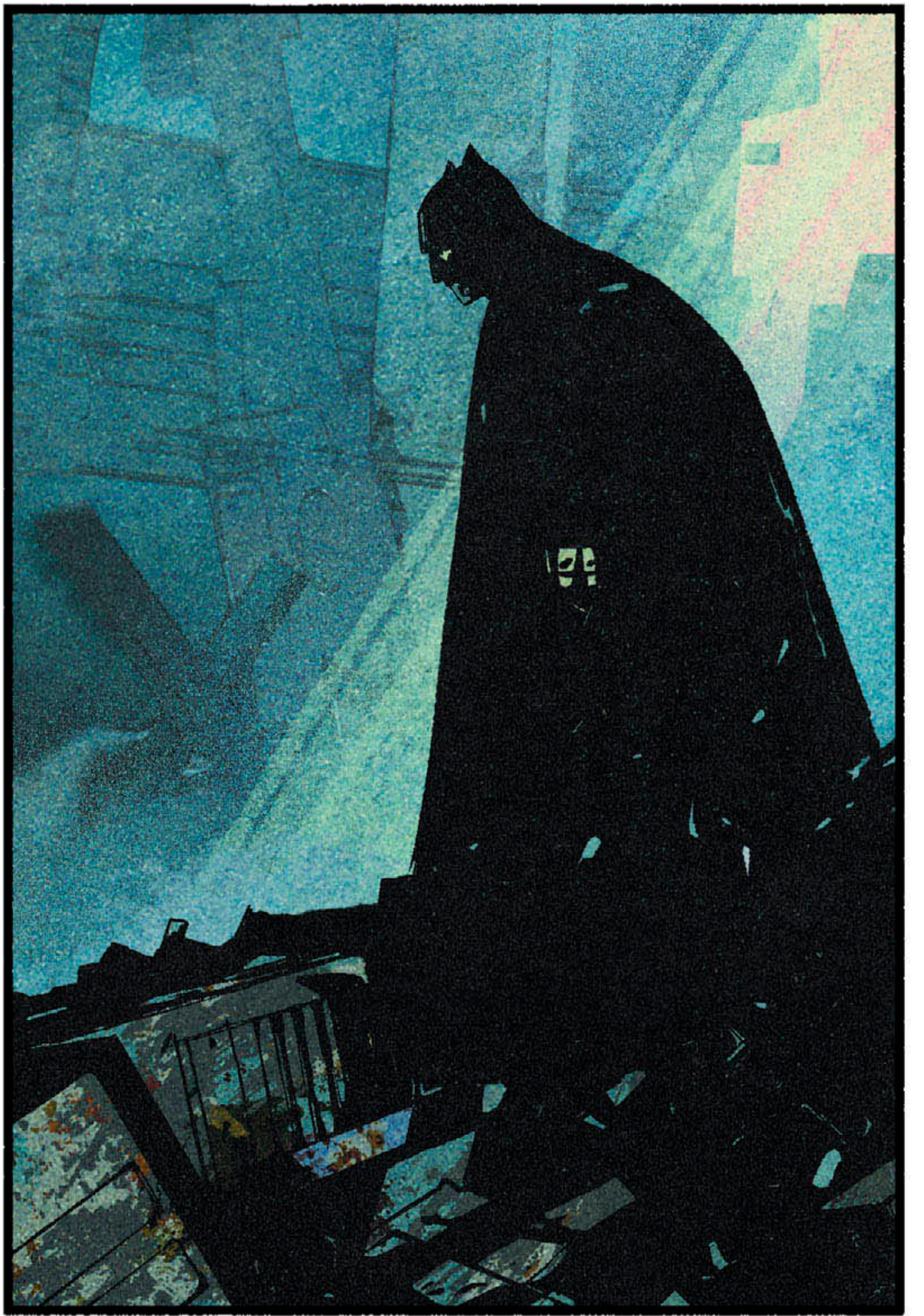
EVENT LEVIATHAN

BENDIS • MALEEV

**THE GREATEST
DETECTIVES
HUNT OUR GREATEST
THREAT!**



TAM
2019





از همون
راهی که تو
اومدی بتمن.
یواشکی
وارد شدم.

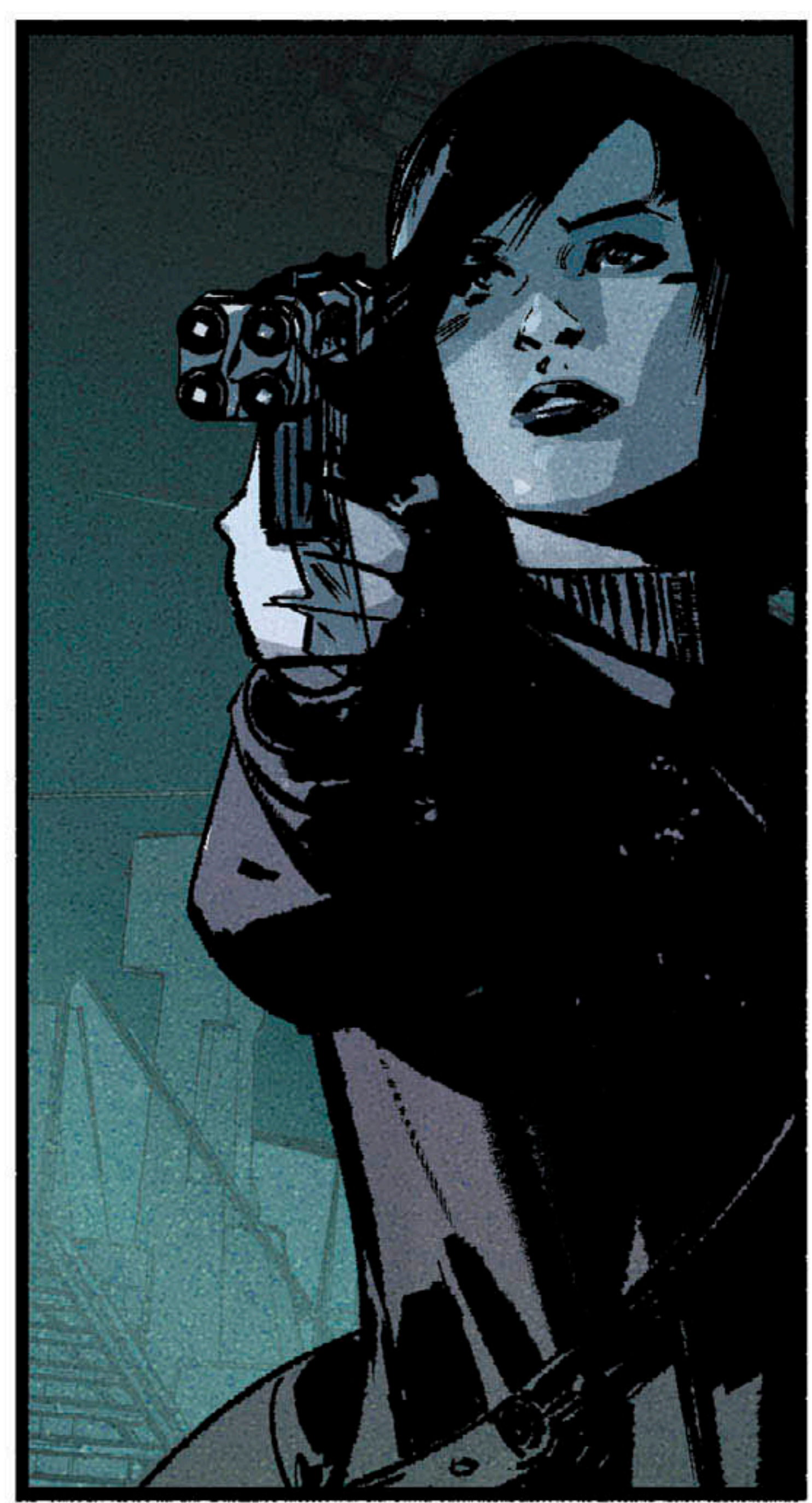


اونی که اون
سلاح کریپو تنی
رو بعت داده اینجا
رسوندت؟

خودم.
اومدم.

قصد
توهین
نداشتم.

نتیجه گیری
منطقی ای بود.



راست
می گی.
سلام
حالت چطور؟



من
بتمنم.

همیشه بدون
اون با تو یه جا
بودن عجیبه.

نه برای
من.

انگار تو
کمد لباسیم.

به جایی
که هستیم هم
ربط پیدا می کنه.

یه مسئله
خانوادگی جای دیگه
کهکشان داشت، وگرنه هر
جور بود خودشو
می رسوند.



این مسئله
اونو خیلی عصبی
کرده.

می دونم همیشه
جاییه که بهمش بیشترین
نیاز هست.

مینم می دونم
برای چی
اینجایی.
راجع به
پدرت شنیدم.



چرت نگو.
اون کجاست؟
تالیالغول؟
کجاست؟
کجا...

LEVIATHIAN

KOBRA

"لویتان ظرف یک روز تمامی سرویس های اطلاعاتی سراسر جهان را نابود کرد. همه ظرف یک روز..."

"آرگس."

"دی ای او..."

"اسپایرل."

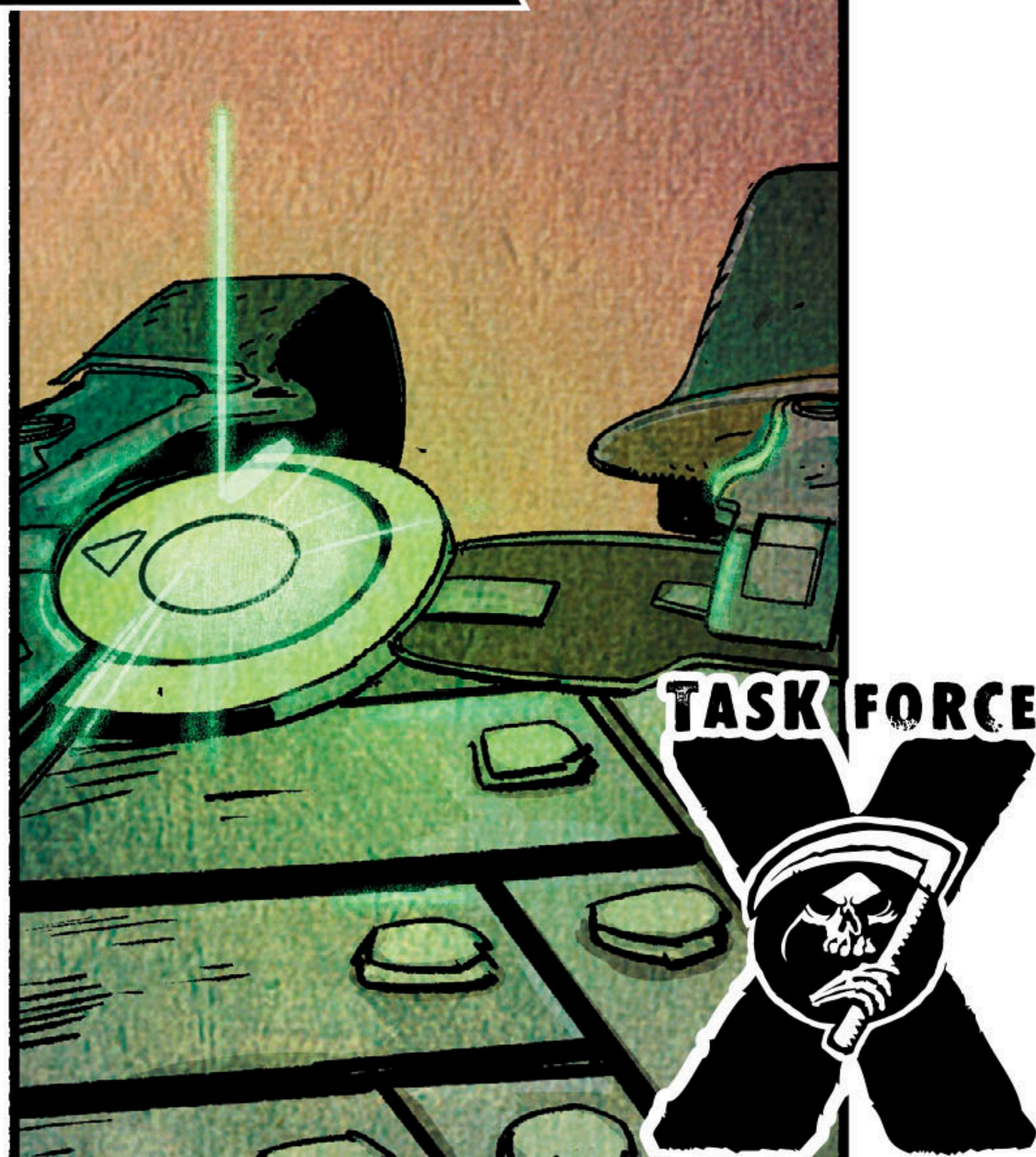
"کدموس..."

"...نابودند."

"و هر کسی که در آن سازمان ها و برای آنها کار می کردند، مفقود شدند."

"ساختمان ها و کارکنان همگی بدون کوچکترین اثری نابود شدند."

"گویا هرگز وجود نداشتند."



"در همین زمان لویتان در تعقیب آماندا والر بود که مسئولیت اداره تسک فورث ایکس و آرگوس را به عهده داشت."

"سرکار و در خانه به سراغ او رفتند."

"سراغ او! آماندا والر!"

"در منزلش!"

"و در همون حملات اونها پدر من سم لین از اعضای آرگوس رو رها کردند تا از بین بره. وقتی پدرم به هوش بیدار مشکلات زیادی متوجه اونها خواهد شد. ولی..."



"در همین زمان!"

"اونها کلارک کنت همسر منو بعد از یه درگیری ساختگی داخلی بین تالیا و یه فرد لویتانی ربودند..."

"...و بعدش اونو رها کردند!"

"تا داستان رو به جهانیان تعریف کنه!"



SPYRAL



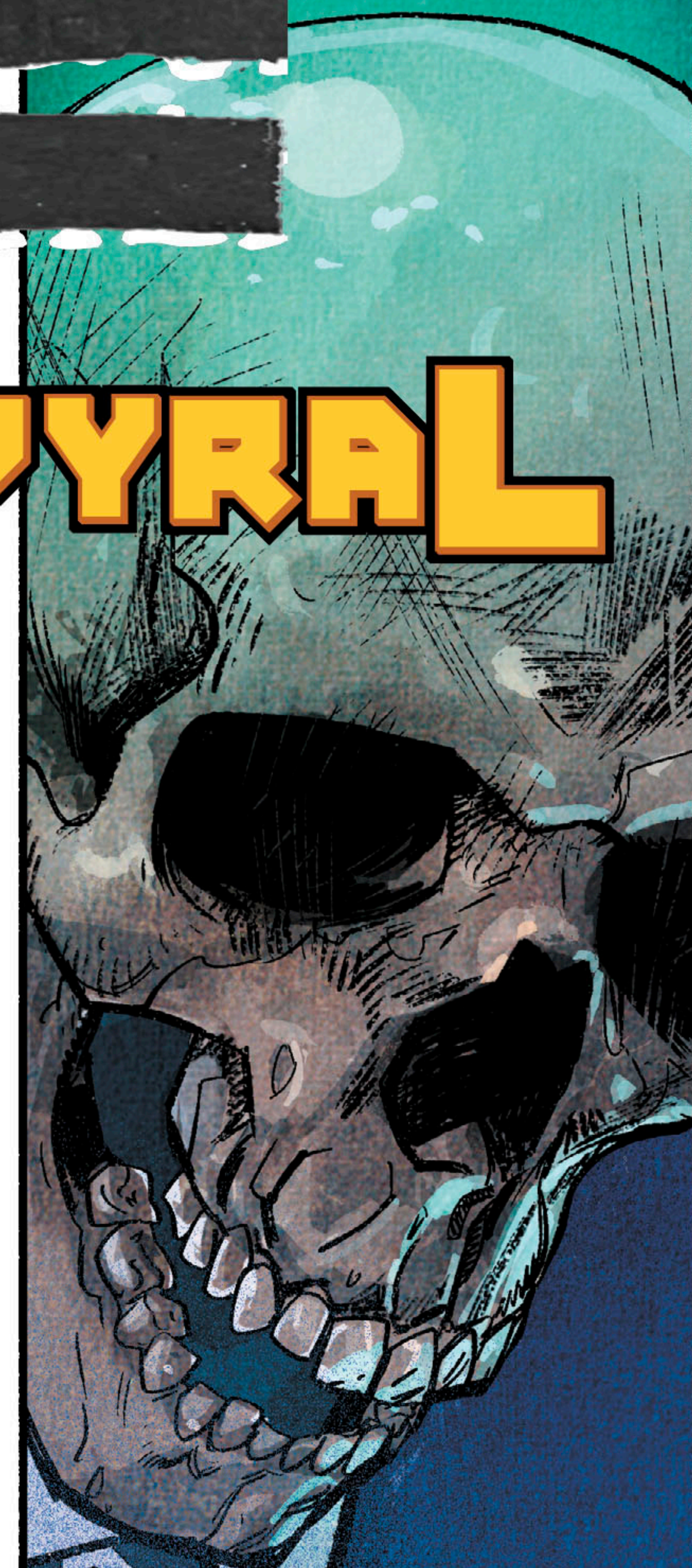
D.E.O.

DEPARTMENT OF
EXTRANORMAL
OPERATIONS

"به هر سمتی نگاه می کنیم مذنونان و سرخ های بیشتری دیده می شه."

"والر مفقود شده."

"پدرم تو بستر مرگه."



"و من بی اختیار حس می کنم که الان در این زمان..."

"تغییرات همین حس رو خواهد داشت..."

"حسی مثل..."

"حسی مثل..."



... شما تو در دسر بزرگی
افتادید خانم لین.

اول لویتان کلارک
رو دزدید...

... بعد اقدامی در
مورد پدر شما که یه
ابرجاسوس و قهرمان
جنگه انجام می دن.

کسی باهاتون
ارتباط برقرار کرده؟



نه.

ولی من
محاسبات رو انجام
دادم.

حتی اگه کار
کار لوتر و تیمش
باشه...

... فکر نمی کنم این
بخاطر کینه ای باشه
که علیه خانواده من داره.

موافقم.

... یعنی قطعات
پازل باید با هم
جور در بیان.

فکر
نمی کنم تالیا
الغول تنها کار
کنه.

اولین گزینه
من هم لوتر بود، ولی...



... ولی سبک کار اون
به این شکل نیست
درسته؟

این...

... بدون
تظاهر.

و همین
باعث می شه
لیست مظنونانم
کوتاه تر بشه.



پدرت
می تونه حرف
بزنه؟

سگته قلبی کرده. به
چیزی واکنش نشون نمی ده.

پس
نه.

راستش من فکر نمی کنم
شرایط همکاری باشم...
حتی با تو.

با توجه به
اینکه تنها مردی
که بهش اعتماد دارم
رو این کره نیست.

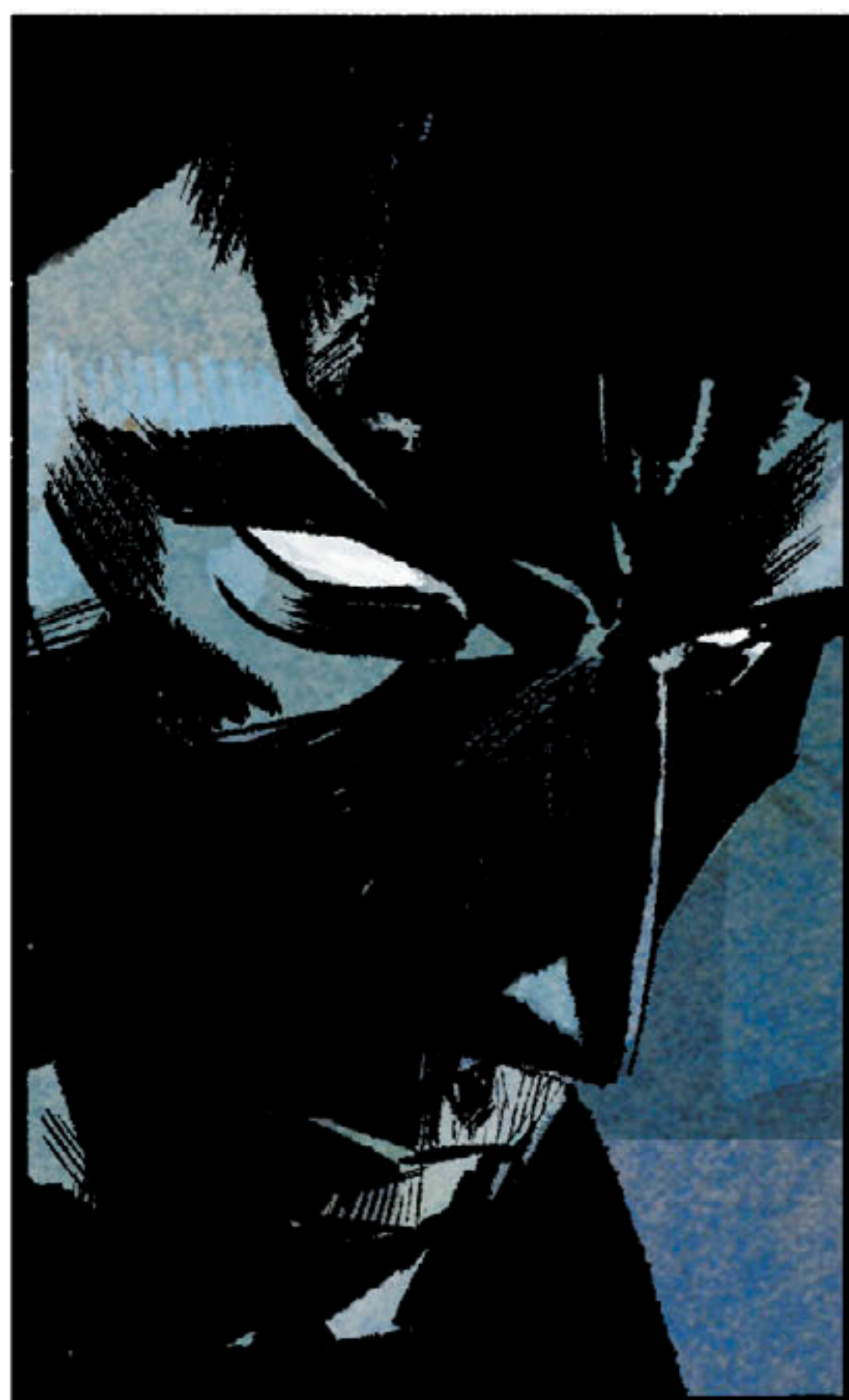


نمی تونم
ربطشون بدم.

ولی تو
درگیر مشکلات
زیادی هستی.

خوب من
فعلاً دارم نفس
می کشم. فکر کنم
این رابطه ای با سلامت
داره...

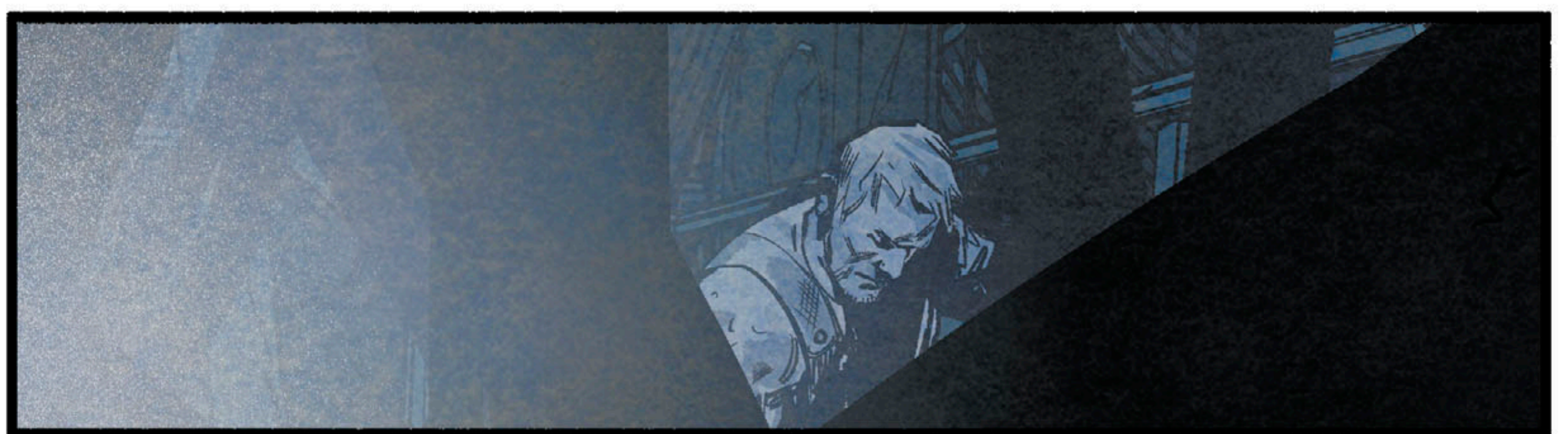
باید
قطعه ها در
کنار هم جور
در بیان...



وقتی اون
اتفاق افتاد
اینجا بودی؟

گفتم که
یواشکی اومدم
مثل... اوه.

تو نه.





سرهنگ
ترور؟
سرهنگ
استیو ترور،
صدای منو
می شنوید؟

بله.
شما دو
تا از وقتی سر تونو
انداختید اومدید
تو خفه نشدید.



چطور تونستی
خودتو از رادارهای
من مخفی کنی؟

داستان
واقعی بتمن...

هر وقت
تو به اسباب بازی جدید
می سازی بذاری
زیر کمر بندت،
تیم...

...پیشرفته
تحقیقاتی آرگوس
ما ابر انسان ها رو
جمع می کنه...



جنبه پیشگیری
داره. ... تا نقطه مقابل
اونو بسازیم.

سلام،
سرهنگ
ترور...
به نظرم
باید روی تالیا
تمرکز می کردیم.
من
لوییس
لین ام.



شما رو به
یاد دارم.

فکر می کنم
در اون لحظات
نمی دونستید
کجا هستید

دقیقاً
می دونم کجا
هستم و دقیقاً می دونم
چه اتفاقی افتاد.



می تونید به
ما بگید چی شد؟

می دونید
چه اتفاقی افتاد.

ما دیدیم
چه اتفاقی
افتاد.
تمام دنیا
دیدند چه اتفاقی
افتاد.
ما نمی دونیم
چه اتفاقی افتاد.



شما دو تا
می دونید کجا
هستید؟

گست
سیتی.
بله
متشکرم.

می دونید
این ساختمان
کجا بود؟



به مردم گفته شد ساختمان
موزه علوم فوق پیشرفته
در حال ساخت.

ولی
شما اینجا
هستید...

اینجا قرار
بود مقر فرماندهی
آرگس باشه.

چی؟

چند تا هیولا
که نمی خواستند
شناخته بشن؟



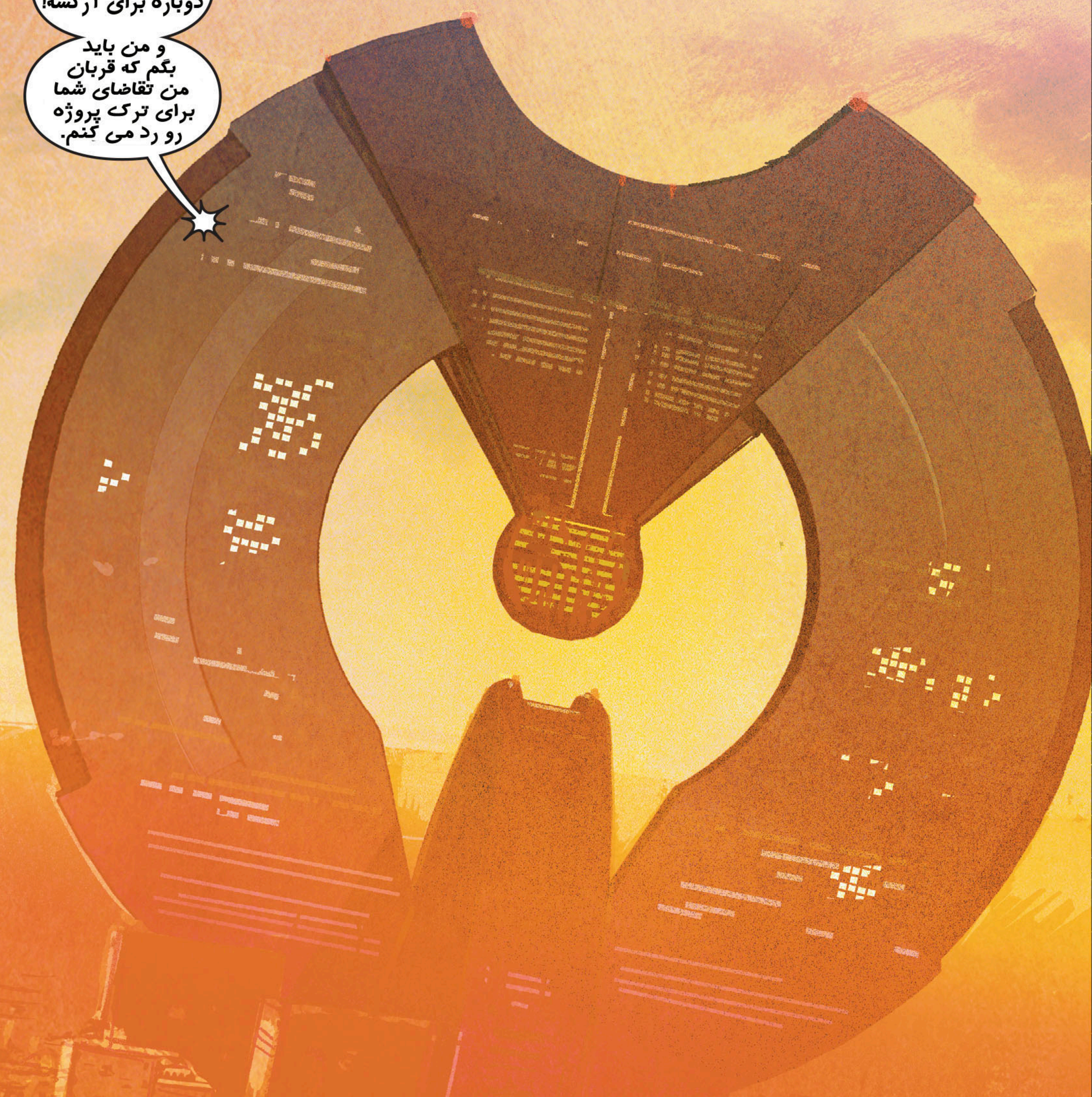
آره.
نه...
...اینجا...
...این...

چهل و دو دقیقه پیش

این پروژه
ادیسه است.

این یک روز
جدید و یک شروع
دوباره برای آرگسه!

و من باید
بگم که قربان
من تقاضای شما
برای ترک پروژه
رو رد می کنم.





دکتر استرند شما باید وسایلتون رو جمع کنید

و... وقتی ما

کارمون غلنی بشه، ادیسه اینجا خواهد بودو افرادی با قدرت زیاد و افرادی که اونها ازشون حمایت می کنند، می تونند با هم ملاقات کنند و درک بهتری از هم داشته باشند.

دکتر استرند...

شبکه های اجتماعی، خدمات عمومی و برنامه های ارتباطی می تونند افراد قدرتمند رو به هم ارتباط بدنند...

هی!

من بخش شما رو منحل نمی کنم! این یه مأموریت نجاته!

دکتر، می دونم که مدتی تو این پروژه مشغول فعالیت بودید، ولی من افسر مافوق شما هستم و وقتی بهتون می گم باید این پروژه و ساختمان رو ترک کنید...



...این پروژه و ساختمان رو ترک کنید!

وگرنه به جرم خیانت کشته می شید!



نه... هیچکس...

هیچکس هنوز نمی دونه این ساختمان چیه.

داستان سری...

در حالت عادی.

ولی بعد از اتفاقاتی که در دی ای او افتاد، همه بخش ها عمومی شدند.

برای دی ای او چه اتفاقی افتاد؟



هیچ بخش فعالیت فوق طبیعی وجود نداره!

کلاً حذف شدند.



چی... چه اتفاقی افتاد؟

هیچکس نمی دونه. دنیا هنوز نمی دونه چه اتفاقی افتاده.

بد شد.

کلاً بد شد.

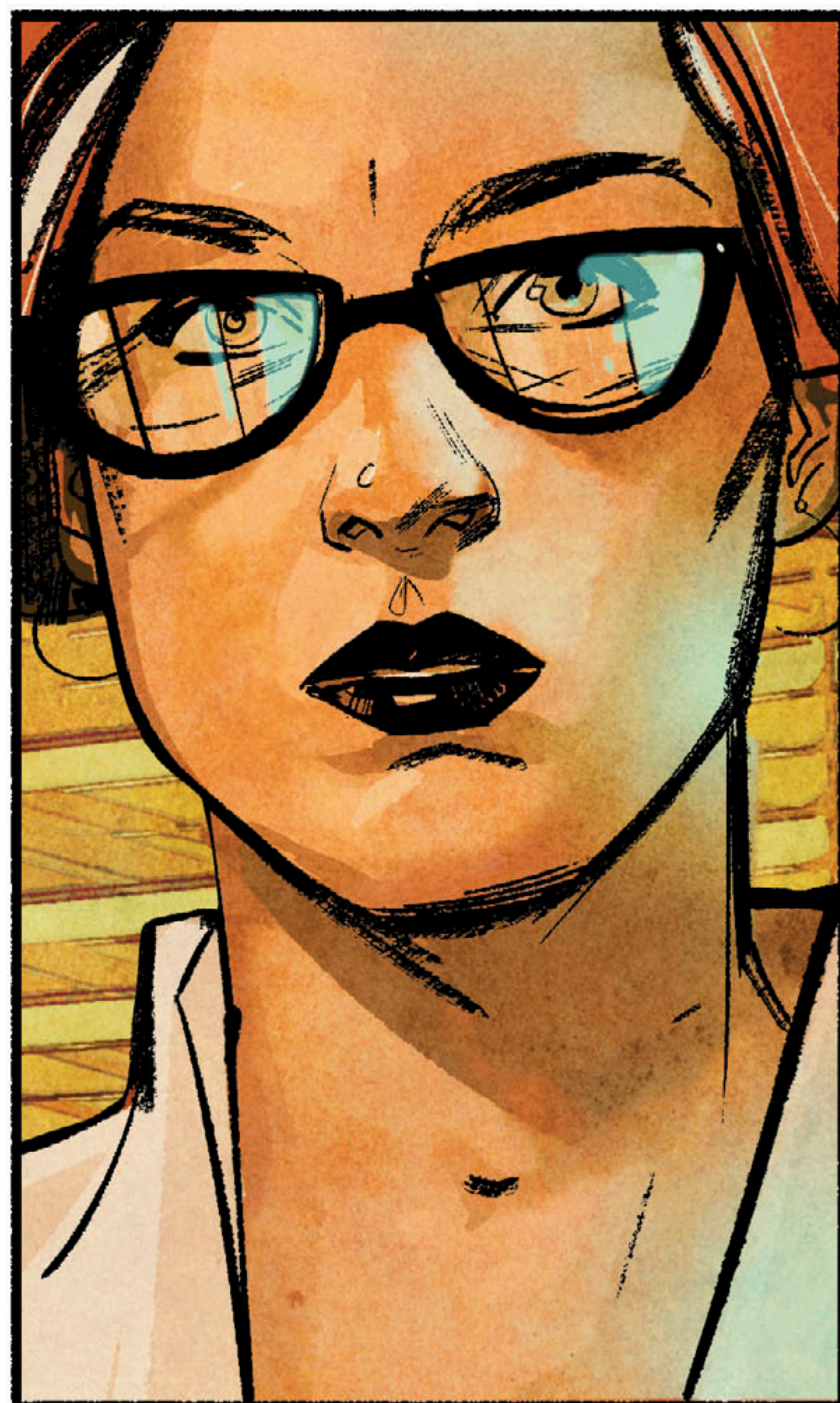
من قبلاً... خدای من! من قبلاً اونجا کار می کردم.



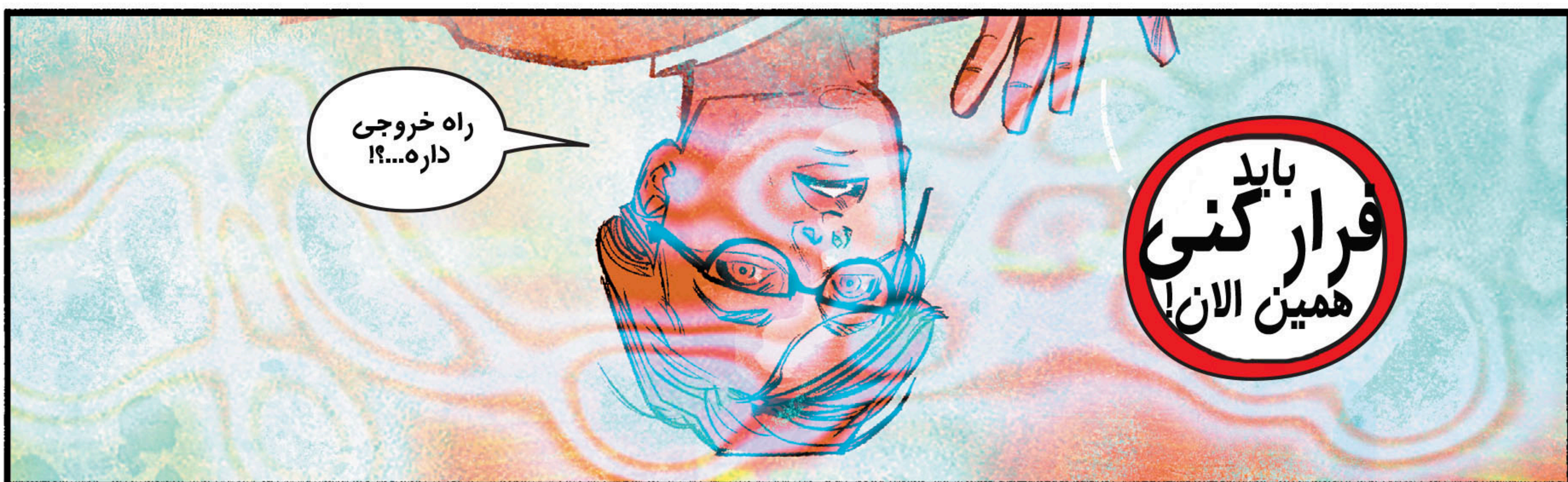
به همین دلیل ادیسه باید وجود داشته باشه.

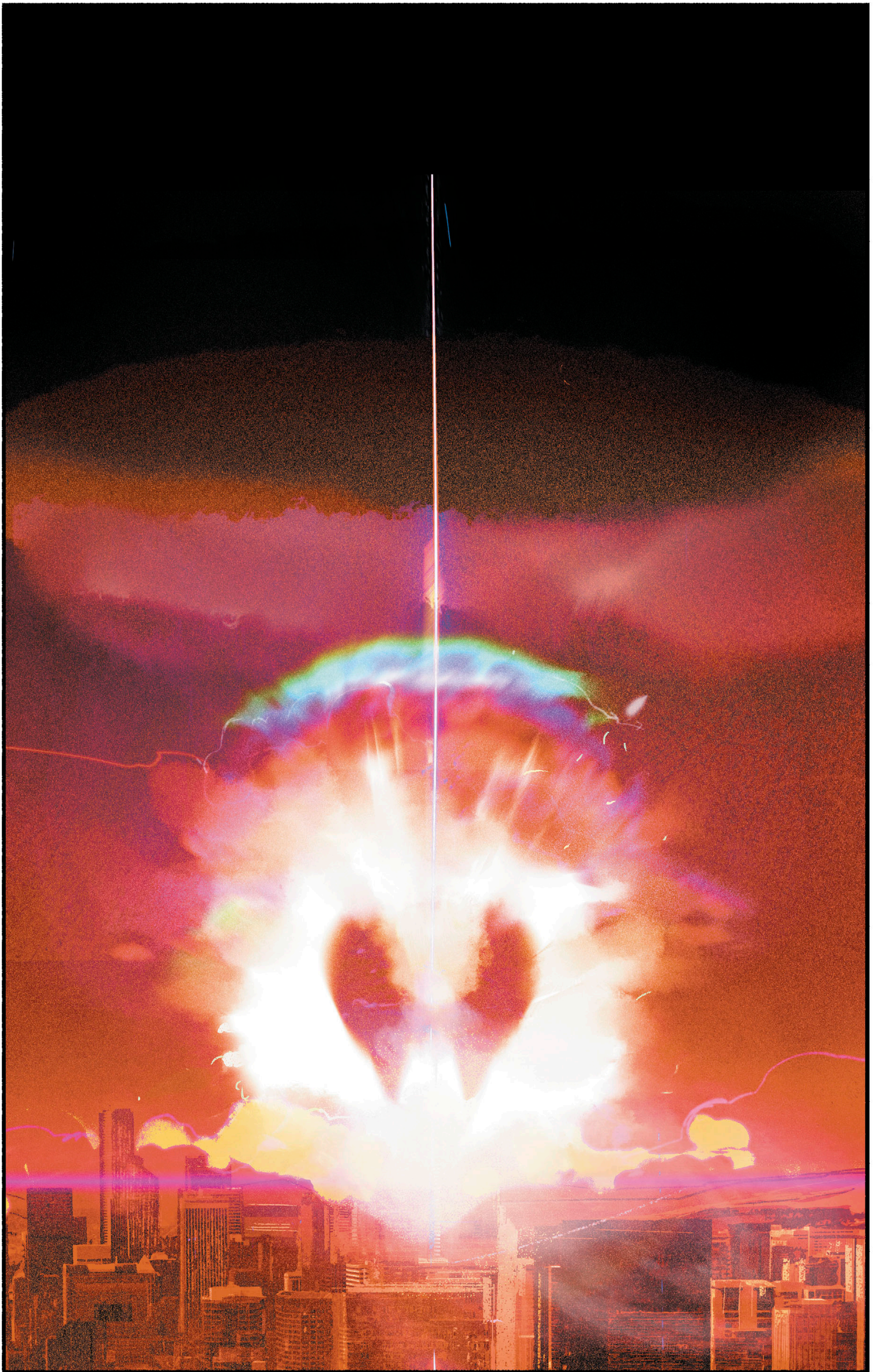
به همین دلیل بخش ما ایجاد شد. برای ارتباط...

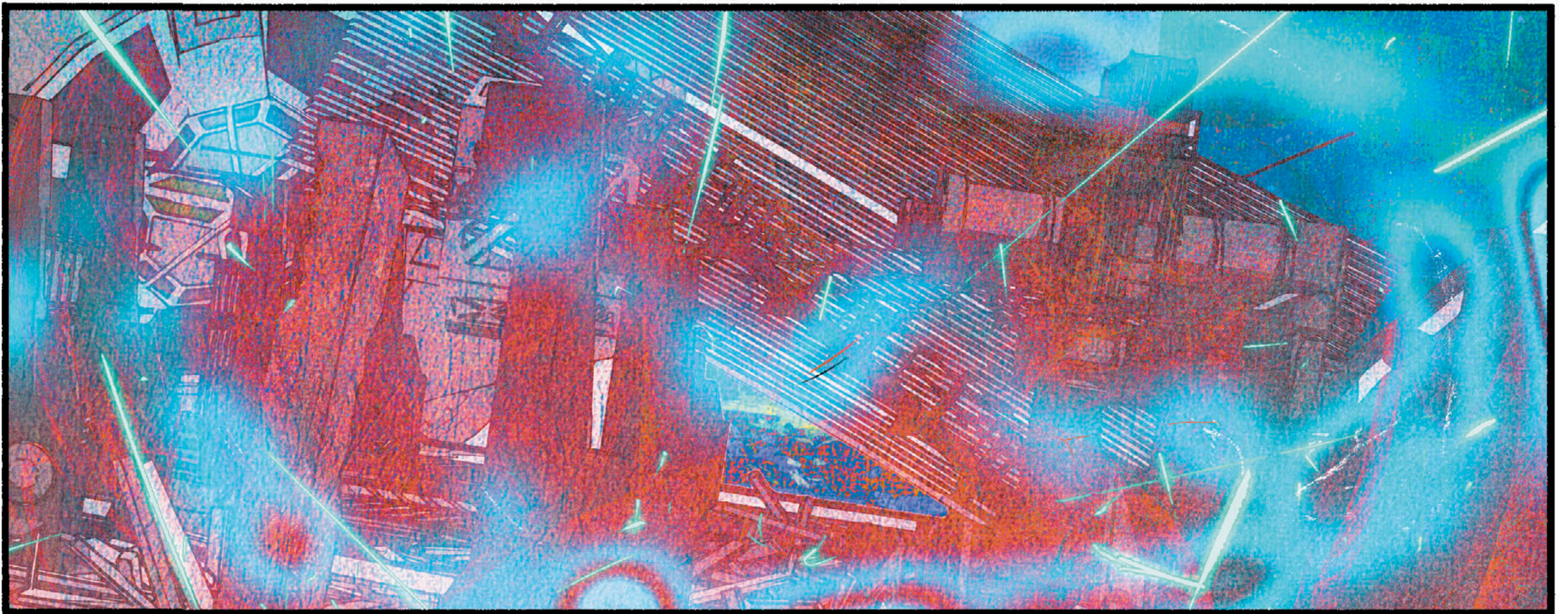
این ایده ایه که وقتش...

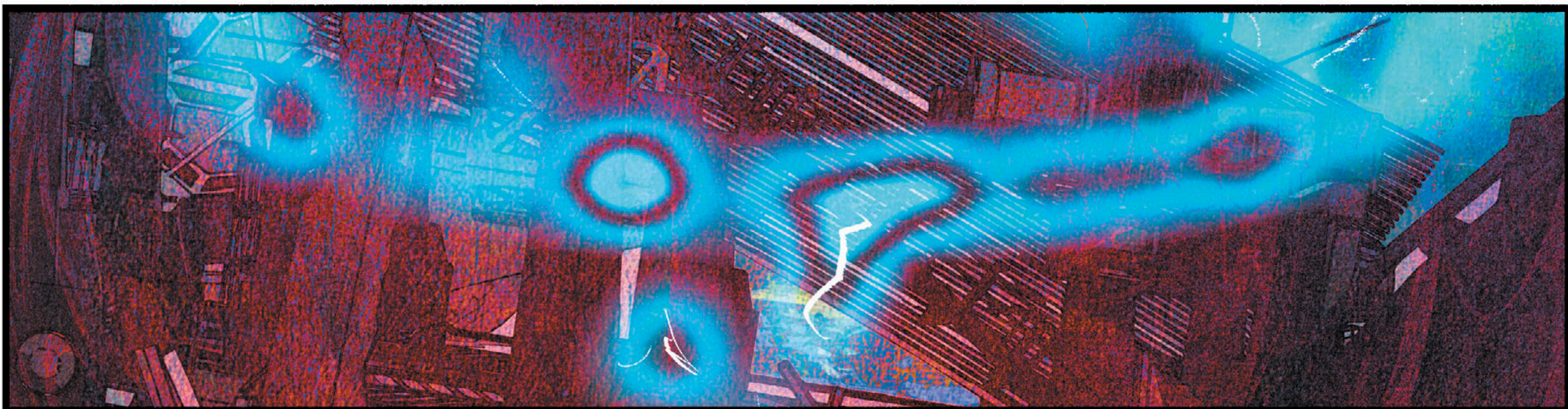












تالیا نبود.
یه نفر دیگه بود.

لوتر بود؟

دنیای
چهارم؟

جوکر نبود.



همسرم گفت یه نفر دیگه
همراه تالیا بوده.

در جریان
ر بوده شدنش؟

هرگز چهره
اون شخص رو ندیده.
اون گفت تالیا هم
خودش نبوده.

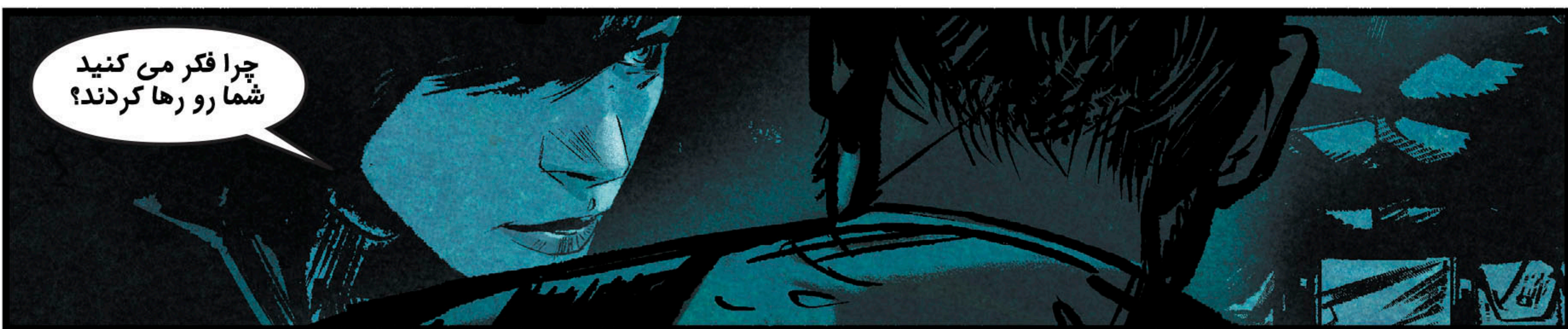
هر چی
هست.

لویتان؟

تالیا الغول؟

تالیا یه
دلال اسلحه است
که هر وقت "اون" بخواد
متوجه بشه طرفش
رو عوض می کنه.

...این عادت تالیا
نیست.



چرا فکر می کنید
شما رو رها کردند؟



همین الان
هم ...
...حس نمی کنم
قرار بود...



تو به عنوان
شاهد ماجرا باقی
موندی.
تا ماجرا
رو تعریف
کنی...



مجازات منه
برای "گناهان
گذشته"؟

چه
گناهی؟

از تالیا
پرسید و
اون لوی...



نه.
نه.
متوجه
نیستید؟
من زنده
موندم. من
لویتانم.



هیچ مدرکی مینی بر
نجات من توسط میدان
انرژی وجود نداره.

الان یا باید
برای بازجویی برم
یا فرار کنم.

روندش همینه.

به هر دو
صورت کارتون
اشتباه...



...ولی! امکان
نداره من
باشم.
تویی...

...تو
لویتانی، لوییس
لین.



این همون چیزیه که بتمن می خواست بهت بگه قبل از اینکه حضور من با بی ادبی مانع اش شد.



می خواست بهت بگه که اگه شوهرت و پدرت در جریان این حملات پر دامنه هدف بودند؟

پس تو یه مظنون هستی.

خدای من.



همه حواس ها متوجه تو، من و همه اونهایی می شه که اونها تصمیم گرفتند...

... و همین مسئله زمان زیادی به اونها می ده تا نقشه خودشون رو عملی کنند.



موج بعدی حملات.

هنوز تموم نشده.

موج بعدی؟

مطمئن نیستم که این موج اصلی بوده باشه.

این یه پروژه خیلی بزرگه.



ستون های اصلی اجتماع ما تخریب شده.

همه دولت های سراسر جهان در حالت آماده باش هستند.

همه رهبران دنیا در مخفیگاه ها هستند.

قطعا به اینجا ختم نمی شه.

این فقط جنبه آماده سازی داره.

لویتان.



خیلی دوست دارم با تالیا الغول حرفه بزنم.

باید امیدوار باشیم که پدرش مرده باشه.

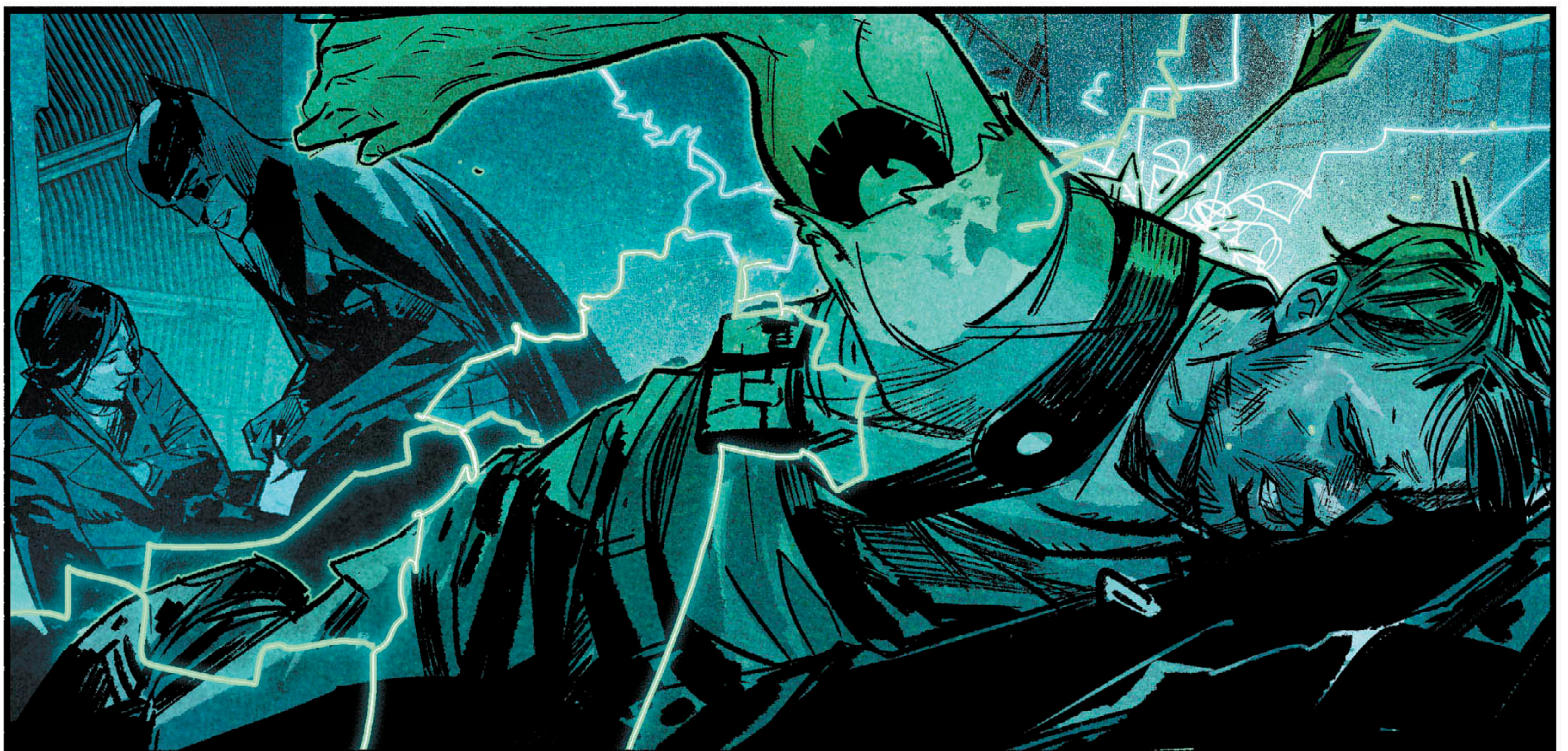
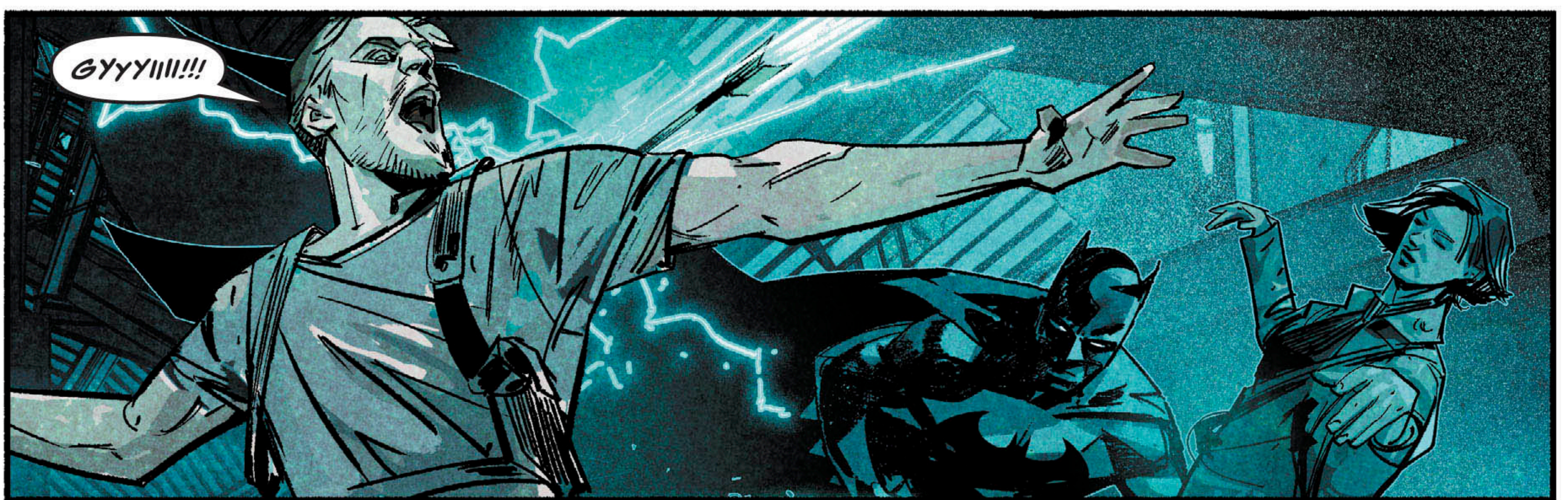
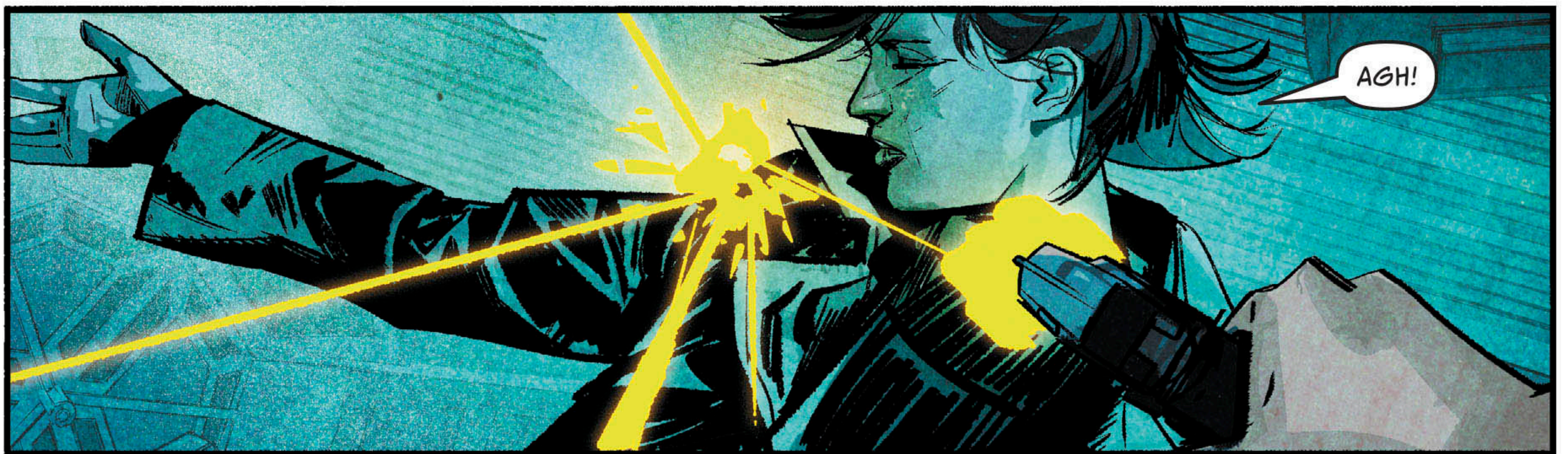
فکر کنم بیشتر از اونکه بروز می دی در موردش می دونی.

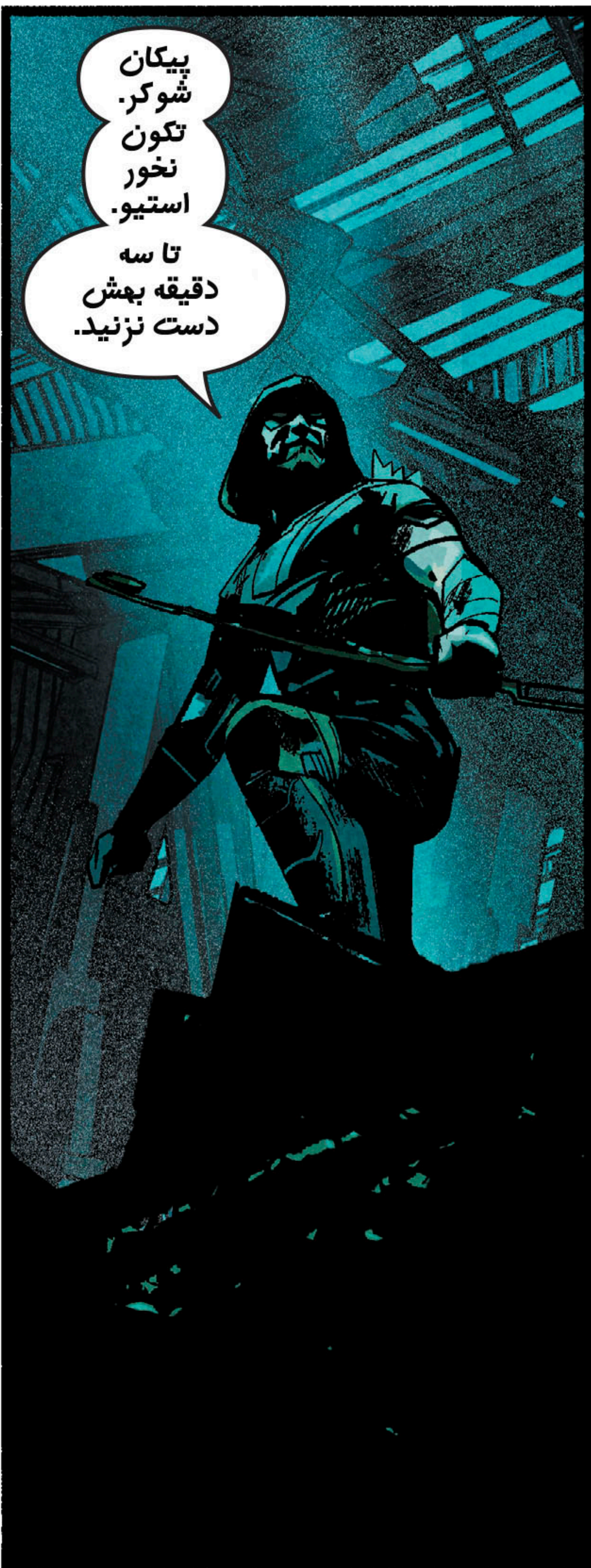
بیشتر از چیزی که بروز نمی دم در موردش اطلاع دارم.

ولی فکر نمی کنم با این ماجراها ارتباطی داشته باشه. اتفاقی در مسیر قرار گرفته.

پدرش. خانواده اش. کل عمرم در موردشون تحقیق کردم.

اونها دروغگوهای دسیسه چینی هستند که هر کاری می کنند تا اسرارشون رو حفظ کنند.





پیکان
شوکر.
تکون
نخور
استیو.

تا سه
دقیقه بهش
دست نزنید.



یه تیر
دیگه بزن!

نه
گرین
ارو.

اون
مظنون
نیست.

منم
فکر نمی کنم
که گناهکار باشه.
ولی رفتارش مجرمانه
بود. به هر حال...



این اتفاق
تحت نظر تو
افتاده!



این صحنه جرم... کل
قضیه... کاملاً پاک و بی اثر
انجام شده.

نابودی
خودش رو پاکسازی
کرد. هیچ اثری یا
جزئیاتی به جا
نمونده.

لعنتی!

استیو ترور
راست می گفت.

پس تو
هیچی نمی دونی.

فقط
می دونم که این
صحنه جرم بزرگ خیلی
تمیز چیده شده...

که خودش
یه سرنخه.



این کار با نوعی
تکنولوژی انجام شده
که نمونه اش رو تا به
حال ندیدم.

رد انرژی به
جا مونده تو کاتالوگ
من موجود نیست که باید
بگم به کمک همسرت دامنه اش
تا دنیاهای دیگه گسترده
شده.

طیفه خرابی و
مهارت در انجام اون
برنامه ریزی شده و با
محاسبه دقیق صورت
گرفته.



و جلوی
چشم ما...



چشم
ما...

حملات طوری
طراحی شدند که
اونهایی که باقی
موندند علیه همدیگه
اقدام کنند.

و همدیگه
رو متهم کنند.



می خواهی
بگی...

آغغ!

می تونم...

...می فهمم.

می خواهی
بگی امشب
باید به ته قضیه
برسیم...



...وگرنه
صبح فردا تمدن
سقوط می کنه.

درست
فهمیدم؟



...این لویتان جدید
چی می خواد؟
باشه...

ششش،
بسه.

مطمئنیم
که کار لوتر نیست؟

تالیا الغول
کجاست؟

دقیقاً؟

از هیچی
مطمئن نیستیم.

هنوز
نگفتند.

ما فکر
می کنیم "نظم نوین جهانی"
یا "چغان بی نظم جهانی" باشه
که به نوبه خودش یه نوع
نظمه... ولی راز الغول و
تالیا هیچوقت دنبال...



ما باید چند
تا تماس
بگیریم.

یا بهترین
کار آگاهان دنیا.

با اونهایی
که بعشون اعتماد
داریم.



آره...
آره...

...بهترین

تیم
کار آگاهان.

احتمالاً بهترین ها
دارند رو قضیه کار
می کنند.

می تونیم
بسرعت به
اجماع برسیم.



عالیه.
امشب.
محل
من یا محل
خودت؟



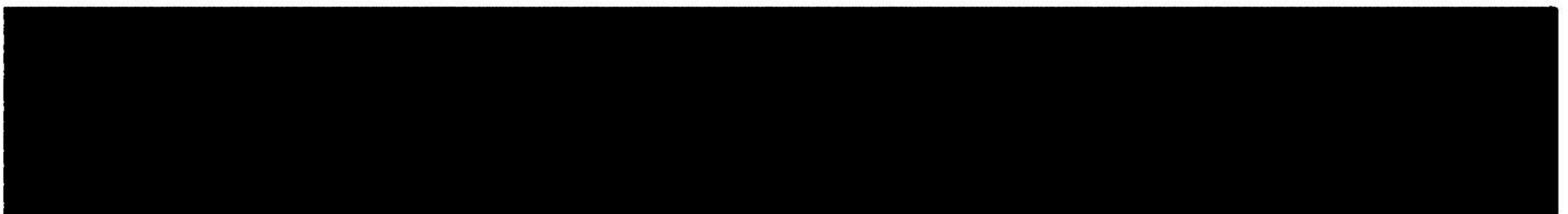
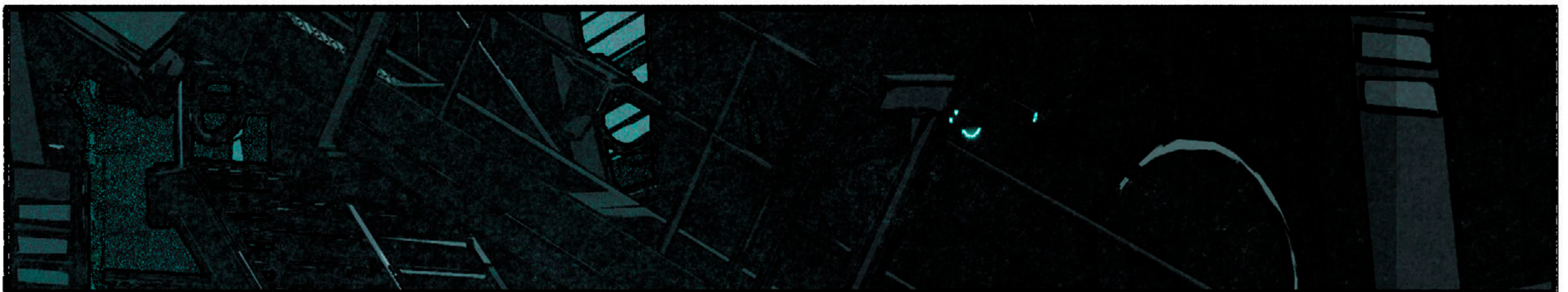
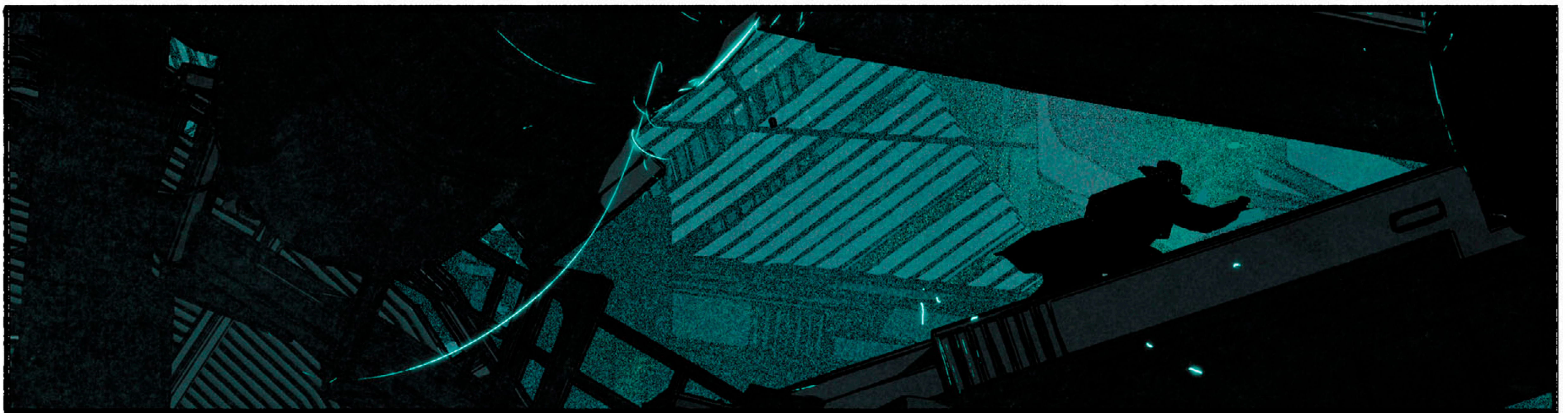
بیا اینجا
لین.
چیزی نمونده
بود...

خوبه.
ما مشکلات
بزرگتری... آوا!!

اگه تالیا نیست
پس کی لویتان رو
رهبری می کنه؟



باید
دنیاال همین
باشیم... آوا!



چشمتو باز
کن.



دکتر استرند
شما حالتون کاملاً
خوبه.

شما در خطر
نیستید.

آرگس!
ادیسه...!



از بین
رفتند.

همه نابود
شدند.

بخاطر این
موضوع متاسفم.

ولی ایده
پشتش خوب بود.
اینکه چطور می تونستند
به شکوفایی دنیا کمک
کنند.



من تمام
مقالاتی رو که
در مورد وضعیت
جهان ما نوشتید
خوندم.

به شکلی
که نتیجه واقعاً
خوبی داشته
باشه.



ما جهان
دیگه ای رو
پایه ریزی
می کنیم.

این یکی
مفید نیست.

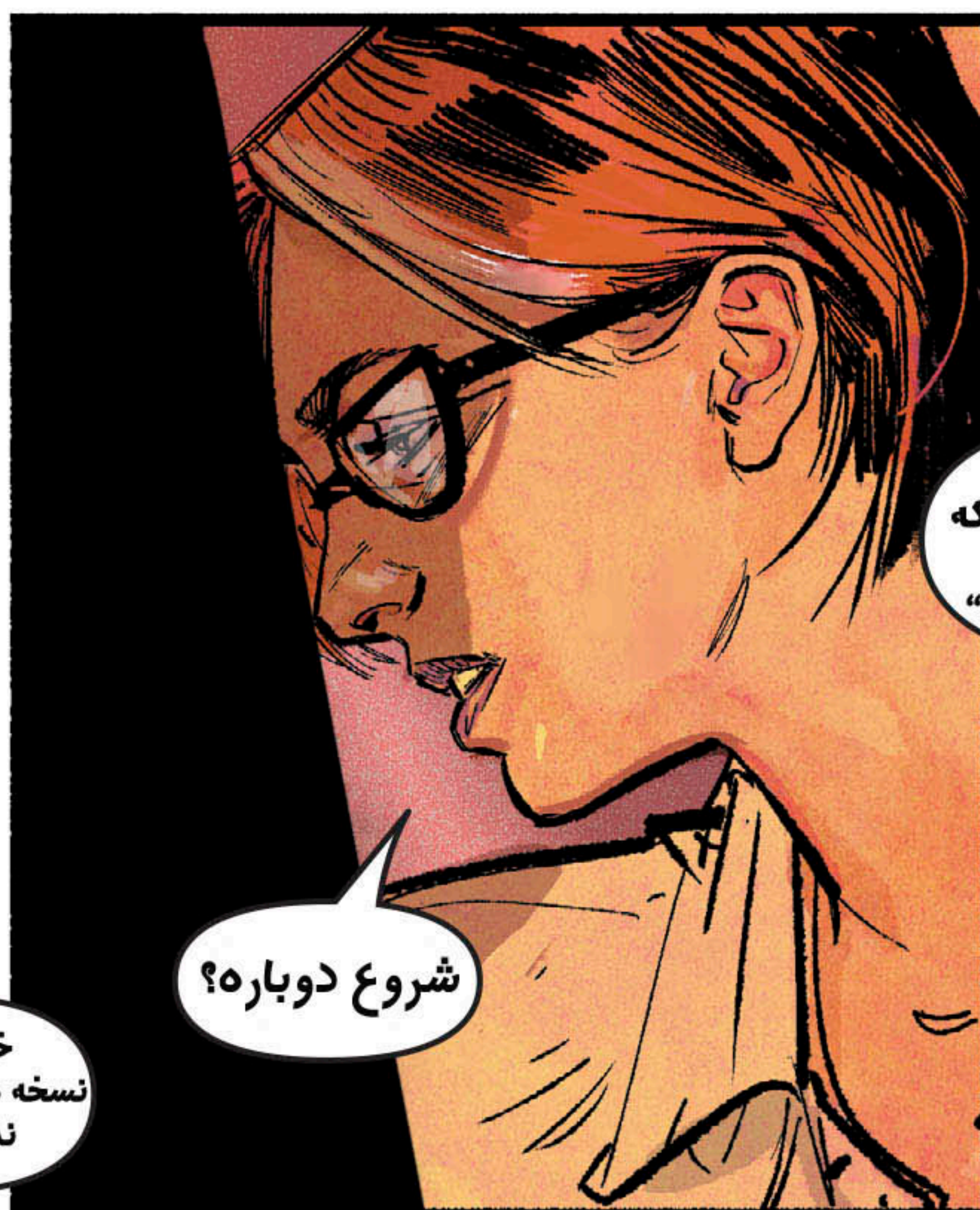
هرگز کارایی
نداشت و خوش شانسیم
که تا به حال ادامه
داشته.

خیلی از
نسخه هاش کارایی
نداشتند.



و لحنی که
برای اولین بار
برای ادیسه استفاده
کردید.

و تمام تلاش هایی
رو که برای جلب کمک
مقامات ارشد انجام
می دادید می دیدم.



شروع دوباره؟



ایده های
شما برای آینده
این دنیا عالی
هستند.

ولی وقتی می بینیم
شخصی مثل شما
عقایدش راجع به دیدگاه های
ما از قوانینی که شما، ما و همه
از آنها متنفرید، تغییر
می ده... واقعا دردناکه.



"آینده ای
رو تصور کنید که
وحشت به ما
دیگه نکرده..."

اینها کلمات
شما هستند.

"تصور کنید
توان رسیدن به
کجا را داریم..."



ما لویتان
هستیم.

فردا با کمک
شما...

...لازم
نیست دنیایی
بهتر را فقط
تصور کنیم...